

منبع : ارگان نشراتی حزب کمونست هالند
برگردان : داکتر شایسته

امریکای لاتین

استقلال خود را دوباره بدست میاورد

پنج قرن بعد از اشغال امریکای لاتین توسط اروپایی ها این کشورها استقلال خود را دوباره بدست میاورند. بیشتر از همه، منطقه جنوب امریکا از وینزویلا گرفته تا ارجنتاین تلاش دارند که در برابر میراث خواران اشغالگر خارجی گذشته و بر علیه سیستم خرابکار (نظام سرمایرداری) که حاکمیت آنها را استحکام میبخشد برآمد کنند. میکانیزم امپریالیستی کنترل این مناطق یعنی جنگ اقتصادی و وحشیگری که هنوز در حافظه مردمان جنوب امریکا تازه است دیگر قوت خود را از دست میدهد و این امر نشان دهنده آن است که انسانها به سوی آزادی ایشان در حرکت هستند.

واشنگتن در گذشته در این مناطق فقط در فکر رژیمهای دست نشانده خود بوده و تنها به آنهایی اجازه فعالیت میداد که زمینه مداخله و اتخاذ تدابیر مجازاتی آنها را مساعد میساختند. بنابراین امروز در تمام منطقه یک اساس زنده و نیرومندی جنبش مردم بخاطر آزادی و دموکراسی واقعی بوجود آمده است. خلق های بومی منطقه از جمله بلوویا و اکوادور بیشتر از پیش تأثیر گذار و فعال گردیده اند، گویا اینکه آنها میراث قبل از کولمبوس خود را سر از نو کشف کرده اند. این انکشافات یک بخشی از نتایج رویداد های است که در سالهای اخیر در امریکای لاتین به وقوع پیوستند.

از آنجاییکه رژیم های رسمی در این جا به طور دموکراتیک انتخاب میشوند ، مردم به پیمانه زیاد در باره انستیتوت های دموکراسی هوشیار تر گردیده اند آنها در جستجوی

یک سیستم دموکراسی بی شده اند که بر اساس اشتراک آزادانه مردم استوار باشد، نه بر اراده این و یا آن نخبه (ایلیت) و یا مداخله خارجی.

اینجا یک توضیح قناعت بخش از جانب یک دانشمند ارجنتاینی بنام الیسو بورون **Alitio Boron** ارائه میگردد. موصوف موج جدیدی دموکراسی و آزادی خواهی مردمی در امریکای لاتین را مربوط به رفورمهای اقتصادی خارجی (جهانی شدن سرمایه) میداند، که دموکراسی های مرسوم محلی مورد علاقه مردم را تحدید میکند.

دریک جهان «ملت - دولت» از دست دادن استقلال به معنی از دست دادن دموکراسی و محدود شدن امکانات بخاطر انکشاف و اجرای تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تعریف میگردد. همچنان تاریخ نشان میدهد که از دست دادن استقلال اجباراً زمینه را برای لیبرال ها مساعد میسازد تا تمام دارایی های ملت های اسیر را غارت کنند و تبعاً رژیم را به قدرت برسانند که بنفع آنها باشد.

بسیار آموزنده است اگر ما انتخاب ریاست جمهوری در یک کشور ثروتمند ترین جهان (ایالات متحده امریکا) با یک کشور فقیر جهان مانند امریکای لاتین مقایسه کنیم. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ ایالات متحده امریکا انتخاب کننده میتوانست فقط از میان دو شخص ثروتمندی که در ناز و نعمت کلان شده اند انتخاب کند، هر دو کاندید در انستیتوت های مشابه مخصوص نخبه گان درس خواندند و عضویت سازمانهای مشابه خدمات مخفی را کسب نمودند، جاییکه جوانان طبقات بالایی جامعه آموزش و تمرینات خاص میبینند تا در امور رهبری جامعه سهم گیرند. این دو شخص در یک کمپاین انتخاباتی بی شرکت ورزیدند که از جانب قدرت های مشابه در آن سرمایه گذاری شده بود، آنها تقریباً پروگرام مشابه داشتند و در تأمین منافع و نیاز های سرمایه دارانی که در عقب شان قرار داشتند موافق بودند.

کاملاً برعکس این را در بولوویا میبینیم که در مورد انتخاب ایوومورالیس **Evo.Morales** بحیث کاندید ریاست جمهوری در ماه سپتمبر سال جاری به راه افتاد. در اینجا انتخاب کننده گان (مردم) بالای نکات اساسی پروگرام کاندید اعتماد کردند،

آنرا واقع‌بینانه و به نفع خود پنداشتند. نکته اساسی پروگرام ایوومورال‌یس عبارت از ملی ساختن تأسیسات نفت و گاز بولوویا و تأمین کنترل مردمی بالای منابع مواد خام آنکشور بود که از حمایت نیرومند مردم برخوردار گردید.

همچنان تأمین حقوق بومی‌ها، حقوق زنان، حق داشتن آب و خاک... و غیره در آجندا های سیاسی شامل بودند، مردم بولوویا شخصی را از میان خود انتخاب کردند نه از میان حلقه کوچک امتیاز داران و ثروتمندان جدا از مردم.

بر اساس هم‌چو اقدامات بود که تناسب جدیدی قوای سیاسی در امریکای لاتین بوجود آمد. آنها تصمیم گرفتند تا پرابلم‌های مهم داخلی شانرا خود حل و فصل کنند، زیرا که این منطقه به علت غارتگری ثروتمندان و کمبود احساس مسؤولیت اجتماعی آنها بسیار بد نام گردیده است.

یک مطالعه مقایسوی وضعیت انکشاف اقتصادی اجتماعی امریکای لاتین با آسیای شرقی بسیار احساسات برانگیز است. امریکای لاتین بنابر موجودیت عدم برابری در جهان عقب مانده است، آسیای شرقی بنابر درجهٔ ثمر بخش بودن (سود آوری) آن مورد توجه زیاد قرار گرفته است. به عین شکل این نابرابری در عرصه های تعلیم و تربیه، صحت عامه و رفاه اجتماعی نیز صدق میکند.

اقتصاد امریکای لاتین در مقایسه با اقتصاد آسیای شرقی در برابر سرمایه گذاران خارجی همیشه باز گذاشته شده بود. بانک جهانی اطلاع میدهد که: روند خصوصی سازی و سرمایه گذاری های خارجی جای فعالیت سایر سرمایه ها را در امریکای لاتین گرفته است اما در آسیای شرقی وضعیت چنین نیست.

در این میان پروگرامهای جدید اقتصادی اجتماعی در امریکای لاتین در حال رشد است که نمی خواهند امریکای لاتین به عقب، به دوران مستعمره هسپانیا کشانیده شود، دورانی که به نخبه گان و اقتصاد دانان امریکای لاتین از جانب قدرت های اشغالگر امپریالیستی سفارش داده میشد. اکنون آنها میخواهند مستقل و غیر وابسته باشند.

واضح است که در برابر یک چنین دگرگونی آنی (غیر مترقبه) در واشنگتن طبق معمول خوش آمدید گفته نمی شود!

ایالات متحده امریکا انتظار داشت که بر ذخایر مواد خام بازارها و امکانات سرمایه گذاری در امریکای لاتین میتواند بطور دوامدار اتکاء نماید. اگر اکنون همه چیز در حال برآمدن از کنترل (از دست رفتن) است. پس ایالات متحده امریکا چگونه خواهد توانست از خیزشها و قیامهای مردم در سایر نقاط جهان جلوگیری به عمل آورد؟؟؟

www.ayenda.org